

اعمال فراسرزمینی قوانین و مقررات در گروه شرکت‌های تجاری و بررسی

مبانی آن

(مقاله علمی - پژوهشی)

سید نصرالله ابراهیمی*

سمیرا سلیمان زاده**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۲

چکیده

یکی از مباحث بحث‌برانگیز در حوزه حقوق شرکت‌های تجاری، قوانین قابل اعمال بر گروه شرکت‌های تجاری است. بعد از گسترش حوزه فعالیت شرکت‌های تجاری در کشورهای مختلف از طریق تأسیس شرکت‌های فرعی، به جز قانون قابل اعمال بر شرکت، قوانین دیگری نیز مجال اعمال یافتند. دسته اخیر قوانین با قانون قابل اعمال بر شرکت دو تفاوت عمده دارند: از حیث قلمرو اجرا در مکان و ماهیت حقوقی. از حیث نخست، اصل کلاسیک قانون‌گذاری یعنی سرزمینی بودن قوانین را تخصیص زده‌اند و به صورت فراسرزمینی اعمال می‌شوند. از حیث دوم نیز، وجه مشخص این قوانین، غلبه جنبه عمومی در مقایسه با جنبه خصوصی قانون حاکم بر شرکت است. در حقوق گروه شرکت‌های تجاری دو تئوری کنترل و نگاه اقتصادی واحد مبنای اعمال فراسرزمینی مقررات است. تئوری کنترل حاکی از آن است که شرکت مادر علاوه بر اینکه می‌تواند شرکت‌های فرعی را تحت تسلط مدیریتی و اقتصادی خود قرار دهد، قادر به کنترل مقرراتی آن نیز می‌باشد. تئوری نگاه اقتصادی واحد حاکی از آن است که شرکت‌های عضو یک گروه اگر وحدت اقتصادی داشته باشند، به مثابه یک واحد تلقی می‌شوند و تابع یک قانون خواهند بود. نویسندگان در این پژوهش به این واقعیت رهنمون شدند که بر مبنای تئوری اثر، اگر چه قوانین حاکم بر گروه شرکت‌های تجاری داعیه مانعیت برای اعمال قانون خارجی را بدان مقررات نظم عمومی ندارند، وضعیت گروه شرکت‌های تجاری به نحوی است که آن دسته از قوانینی را که ملزم به رعایت آن هستند، تحت تأثیر قرار داده است و آنها را مکلف به رعایت مجموعه‌ای از قوانین عمومی و خصوصی اعم از سرزمینی و فراسرزمینی، علاوه بر قانون حاکم بر شرکت می‌نمایند. بر این اساس، مشاهده می‌گردد که امروزه وضعیت گروه شرکت‌های تجاری نظارت دولت‌ها را نسبت به این شرکت‌ها افزایش داده است.

کلیدواژگان:

نظم عمومی، مقررات انتظامی، گروه شرکت‌های تجاری، اصل سرزمینی بودن قوانین، اثر فراسرزمینی قانون.

* دانشیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

snebrahimi@yahoo.com

** دانش آموخته دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)
soleymanzadehs@yahoo.com

مقدمه

هم‌زمان با انقلاب صنعتی در اروپا که شرکت‌های تجاری شروع به گسترش فعالیت‌های خود نمودند، چالش‌های حقوقی متعددی نیز در ارتباط با فعالیت آنها خلق شد. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها مسئلهٔ قوانینی بود که نسبت به این شرکت‌ها اعمال می‌شد.

در سنتی‌ترین شیوهٔ گسترش فعالیت شرکت‌های تجاری که تأسیس نمایندگی بود، شخصیت حقوقی شرکت حفظ می‌شد و با انعقاد یک قرارداد، نمایندگی حقوقی به نماینده اعطا و تکالیفی بر وی تحمیل می‌شد. قانون حاکم بر قرارداد، نسبت به قرارداد نمایندگی اعمال می‌شد. نماینده فاقد شخصیت حقوقی بود و شرکت اصلی به عنوان یک شخصیت حقوقی تابع قانون حاکم بر خود بود که می‌توانست قانون محل ثبت یا تشکیل یا قانون مقر واقعی فعالیت‌های شرکت باشد. این تأسیس گرچه به سادگی امکان توسعه فعالیت را به یک شرکت در کشور دیگری می‌داد، به مرور با دشواری‌هایی مواجه شد. تعارض منافع میان نماینده و اصیل و ریسک‌های مرتبط با آن نظیر عدم رعایت مصلحت اصیل توسط نماینده از مهم‌ترین آنها بود.

زمانی که آشکار شد قرارداد نمایندگی از برآورده نمودن اهداف شرکت‌ها وافی به مقصود نیست، اندیشهٔ ادامه شخصیت حقوقی شرکت در قلمرو جغرافیایی دیگری طرح شد که در قالب شعبه نمود یافت. تأسیس شعبه، گرچه منجر به اعطای شخصیت حقوقی نمی‌شد، حامل دشواری‌های مدیریت یک رابطهٔ قراردادی نمایندگی نبود. از حیث تعارض قوانین نیز، نسبت به تعیین قانون قابل اعمال بر قرارداد که همواره با چالش مواجه بوده است، مسیر هموارتری را نشان می‌داد. قانونی که بر شعبهٔ شرکت اعمال می‌شد، همان قانونی بود که بر شرکت مادر اعمال می‌گردید و آن، قانون محل ثبت یا تأسیس یا قانون مقر واقعی فعالیت‌های شرکت بود.

با گذشت زمان، شعبهٔ شرکت خارجی هم در حدوث و هم در بقا، با موانعی مواجه شد. گرچه نظام حقوقی مقصد از اعطای شخصیت حقوقی به وی و به تبع مزایا و امتیازات آن امتناع می‌نمود و موافقت با حضور یک شعبه صرفاً به معنای تجویز فعالیت در آن کشور بود، باز هم موجود اعتباری مخلوق یک نظام حقوقی بیگانه محسوب می‌شد و پذیرش حضور و فعالیت آن، تاب بالایی از تحمل را در نظام‌های حقوقی می‌طلبید. مثلاً در ایران، تأسیس شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی، منشأ پرسش‌های متعددی بوده است و در نهایت بعد از ابهاماتی که پیرامون

تعارض ماده ۳ قانون راجع به ثبت شرکت‌ها^۱ و اصل ۸۱ قانون اساسی^۲ مطرح شده بود،^۳ بر اساس ماده واحده مصوب ۱۳۷۶ به معامله متقابل منوط گردید.^۴ در مرحله بقاء، ایجاد رابطه حقوقی با اشخاص ثالث توسط شعبه شرکت با دشواری مواجه بود. از آنجا که شعبه شرکت فاقد شخصیت حقوقی مستقل بود، در انعقاد قرارداد اختیار لازم را نداشت یا در فرض تخلف از اجرای قرارداد، طرف قرارداد را ناگزیر به طرح دعوا علیه شرکت اصلی در اقامتگاه قانونی وی می‌نمود.

در واکنش به مشکلاتی که فعالیت شعب شرکت‌های خارجی ایجاد کرده بود،^۵ شرکت‌هایی که مایل به انجام فعالیت تجاری در کشورهای بیگانه بودند، مبادرت به تأسیس شرکت در همان کشور نمودند. در این ساختار مشکلات تعارض منافع یک قرارداد نمایندگی، وجود نداشت و شرکت تأسیس شده در کشور دیگر واجد شخصیت حقوقی جداگانه‌ای بود که می‌توانست اقامتگاه و قانون حاکم بر خود را به طور جداگانه داشته باشد و به طور مستقیم نیز طرف دعوا واقع شود یا مبادرت به دادخواهی کند.

شرکت مادر که مبادرت به تأسیس شرکت در کشور جدید می‌نمود، گرچه می‌توانست از مزایای شخصیت حقوقی بهره ببرد، با بیم عدم امکان کنترل آن مواجه بود؛ زیرا این شرکت را

۱. ماده سوم - از تاریخ اجرای این قانون هر شرکت خارجی برای این که بتواند به وسیله شعبه یا نماینده به امور تجاری یا صنعتی یا مالی در ایران مبادرت نماید باید در مملکت اصلی خود شرکت قانونی شناخته شده و در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشد.

۲. دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است

۳. ر.ک: نظریه تفسیری شورای نگهبان مورخ ۱۱۳۶۰/۱/۱۸ شماره ۱۷۲۳ ر- ۲۴ در پاسخ به استفسار نخست وزیر وقت راجع به امکان ادامه فعالیت شعب شرکت‌های در ایران، موجود در:

<http://www.shora-rc.ir/portal/home/?news/>

تاریخ آخرین بازدید: ۹۹/۶/۷.

۴. ماده واحده - شرکت‌های خارجی که در کشور محل ثبت خود شرکت قانونی شناخته می‌شوند مشروط به عمل متقابل از سوی کشور متبوع، می‌توانند در زمینه‌هایی که توسط دولت جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شود، در چهارچوب قوانین و مقررات کشور به ثبت شعبه یا نمایندگی خود اقدام کنند.

۵. به عنوان مثال در بازه زمانی قبل از تصویب قانون اجازه ثبت شعبه و نمایندگی شرکت‌های خارجی مصوب ۱۳۷۶ تعداد زیادی از شعب شرکت‌های خارجی تعطیل شده بودند. ر.ک: پیوست‌های (و به ویژه نامه مورخ ۵۹/۹/۳۰ وزیر نیرو به شماره ۱۶۷۲/۲۴۸۱/۴۵۰) نظریه تفسیری شورای نگهبان مورخ ۱۳۶۰/۲/۳ شماره ۱۷۲۳ ر- ۲۴ در پاسخ به استفسار وزیر نیرو نسبت به امکان ثبت شرکت خارجی با مشارکت طرف ایرانی در ایران موجود در:

<http://www.shora-rc.ir/portal/home/?news/>

تاریخ آخرین بازدید: ۹۹/۶/۷.

برای تأمین اهداف خود تأسیس نموده بود. از این رو با تملک اکثریت سهام وی سعی در کنترل اقتصادی و مدیریتی آن نمود و به آن ماهیت فرعی بخشید. از ترکیب این چینی شرکت مادر و فرعی به عنوان گروه شرکت‌های تجاری یاد می‌شود.

شرکت جدید حسب محل ثبت خود تابع قانون محل ثبت یا تأسیس یا مقر واقعی فعالیت‌های خود می‌شد. اما به مرور مشخص شد که شرکت فرعی علاوه بر اینکه تابع قانون حاکم بر شرکت است، ملزم به رعایت قوانینی دیگری که منشا آنها مقر شرکت مادر است، نیز می‌باشد. همچنین، فعالیت شرکت‌های فرعی در کشورهای مقصد، اغلب به واسطه وابستگی، منتسب به شرکت‌های مادر می‌شد؛ پدیده‌ای که موجب شد شرکت‌های مادر موضوع قوانین و مقرراتی قرار گیرند که منشا آنها کشورهای مقر شرکت‌های فرعی هستند.

نگارندگان در این مقاله درصدد پاسخگویی به این پرسش‌ها هستند که اعضای گروه شرکت‌های تجاری به جز رعایت قانون حاکم بر شرکت که حسب مورد از طریق مقر واقعی شرکت یا محل تأسیس شرکت تعیین می‌شود، ملزم به رعایت چه قوانینی هستند که منشا آنها دیگر اعضای گروه است؟ مبنای اعمال این چینی مقررات در گروه شرکت‌های تجاری چیست؟ جنس و ماهیت قوانین یاد شده چگونه است؟ فرضیه‌های مقاله بر این استوار است که در گروه شرکت‌های تجاری، شرکت‌های مادر و فرعی ملزم به رعایت قوانینی به جز قوانین مربوط به خود هستند. این قوانین عمدتاً از جنس انتظامی هستند و به صورت فراسرزمینی اعمال می‌شوند. در گروه شرکت‌های تجاری دو تئوری کنترل و بنگاه اقتصادی واحد مبنای اعمال فراسرزمینی مقررات است. ادبیات قانونی و رویه قضایی موجود در بسیاری کشورها و از جمله ایران می‌تواند مؤید فرضیه‌های یاد شده باشد.

به منظور نیل به هدف یاد شده، مقاله حاضر به سه قسمت اصلی تقسیم می‌شود. قسمت نخست به مفهوم، ماهیت و محتوای قوانین فراسرزمینی می‌پردازد. در قسمت دوم به عنوان مبنای عمومی این دسته از مقررات، اصل فراسرزمینی بودن مقررات و استثنای آن تشریح می‌شود. قسمت سوم به طور اختصاصی مبنای اعمال فراسرزمینی مقررات را در گروه شرکت‌های تجاری بیان می‌کند. در پایان با تکیه بر اطلاعات و استدلالات ارائه شده، دستاورد مطالعات در قالب نتیجه به خواننده ارائه می‌گردد.

لازم به ذکر است که موضوع مقاله حاضر از منظر گروه شرکت‌ها در حقوق داخلی مورد مطالعه قرار نگرفته است^۱ و باتوجه به اینکه کشور ایران در دعاوی بین تجاری بین‌المللی همواره موضوع اعمال این چنینی مقررات می‌باشد، لذا ضرورت مطالعه و پرداختن به آن، غیر قابل انکار است.

۱. مفهوم، ماهیت و محتوای قوانین و مقررات فراسرزمینی و تشخیص آن از مقررات نظم عمومی

در این قسمت، ابتدا مفهوم مقررات فراسرزمینی، سپس ماهیت و محتوای این دسته از مقررات را شرح می‌دهیم و آنها را از نظم عمومی تفکیک می‌نماییم.

۱.۱. مفهوم قوانین و مقررات فراسرزمینی

این مفهوم متضمن دو بخش است: نخست، قوانین و مقررات و دوم فراسرزمینی. قوانین به معنای خاص کلمه به معنای ضوابط و مقرراتی است که توسط مرجع قانون‌گذار کشورها تصویب

۱. در این راستا مقالات داخلی نگارش شده به دو قسمت کلی تقسیم می‌شود. دسته‌ای از مقالات با توجه به خاستگاه بین‌المللی اعمال فراسرزمینی مقررات، از نگاه حقوق بین‌الملل عمومی به مسئله نگریسته‌اند: ضیایی، ناصر، **مبانی نظری صلاحیت فراسرزمینی دولت از منظر حقوق بین‌الملل عمومی**، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۹۰، شماره ۷۶، صص ۹-۵۲؛ ممتاز، جمشید و امیر رنجبریان، **مداخله امریکا در امور ایران و اقامه دعوی ایران در دیوان داوری ایران و امریکا**، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۶، شماره ۳۷، صص ۴۹-۶۴؛ سادات اخوی، سید علی و حوریه حسینی اکبرنژاد، **اعمال فراسرزمینی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر**، فصلنامه حقوق، ۱۳۸۸، شماره ۴، صص ۲۳۳-۲۵۶؛ ابراهیمی، نصرالله، **اعمال فراسرزمینی قوانین داخلی و آثار آن، با ارجاع ویژه به قوانین هلمز، برتون و داماتو**، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال دوم، ۱۳۷۹، شماره ۷ و ۸، صص ۳۵-۷۶. دسته‌ای دیگر از مقالات به مصادیقی از قوانین فراسرزمینی به عنوان مثال قوانین رقابت و آثار آنها پرداخته‌اند، اما از منظر گروه شرکت‌ها به این مسئله نگریسته‌اند: باقری، محمود، **حقوق اقتصادی ملی در نظم حقوقی بین‌المللی**، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ۱۳۸۶، شماره ۲۳، صص ۲۶۱-۳۲۰؛ باقری، محمود و حمید قنبری، **مشکلات حقوقی ناشی از بین‌المللی شدن بازارهای سرمایه و جایگاه قوانین ملی**، مجله پژوهش حقوق، ۱۳۸۹، شماره ۲۹، صص ۲۵-۶۴ در یکی از مقالات دسته دوم، یکی از مبانی نزدیک به گروه شرکت‌ها (economic entity) را با ترجمه و تبیینی قابل نقد، بیان نموده است. طباطبایی نژاد، سید محمد، **اعمال فراسرزمینی مقررات انتظامی: بررسی موردی اعمال مقررات حقوق رقابت (با نگاهی به قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی)**، مجله مطالعات حقوقی، دوره ۸، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۲۰، صفحه ۱۳۰.

می‌شود.^۱ مقررات به معنای هرگونه موازینی است که در مرجعی غیر از مرجع وضع قانون هنجارسازی می‌کنند. به عنوان مثال، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها را به معنای مقررات در نظر می‌گیرند. مفهوم فراسرزمینی به معنای اعمال در خارج از محدوده جغرافیایی است که اصولاً قانون برای اجرا در آن وضع می‌شود.^۲ در این مفهوم محدوده جغرافیایی به مرزهای یک کشور تلقی می‌شود، اما می‌تواند در برخی از مصادیق مفهوم دیگری داشته باشد؛ به عنوان مثال، مقرراتی که شورای اروپا وضع می‌کند، برای اعمال در محدوده جغرافیایی اتحادیه اروپا وضع شده است، به عبارت دیگر، محدوده جغرافیایی این دسته از مقررات، کشورهای عضو اتحادیه اروپا هستند. از این رو اعمال هر مقررره مصوب شورای اروپا، در یک کشور غیر عضو اتحادیه، اعمال فراسرزمینی مقررات محسوب می‌شود.

نتیجه اینکه قوانین و مقررات فراسرزمینی به معنای قوانین و مقرراتی است که در ورای مرزهای جغرافیایی کشورها یا فراسوی مرزهایی که قانون بنای اعمال در آنها را داشته است، اعمال می‌شود.

۱.۲. ماهیت قوانین و مقررات فراسرزمینی

این دسته از قوانین و مقررات، در هر حال ماهیت قانون دارند. با توجه به بند پیشین، منظور از قانون، معنای عام کلمه به مفهوم گزاره یا مجموعه گزاره‌هایی است که از جانب مقام صلاحیتدار برای تنظیم روابط اجتماعی اعتبار شده و اجرای آن به واسطه ضمانت اجرا تضمین شده است.^۳ بنابراین عرفها، اصول کلی حقوقی، رویه قضایی و معاهدات بین‌المللی به دلیل فقدان ضمانت اجرای مادی یا تفاوت در مرجع وضع، با قانون متفاوت‌اند و از شمول بحث، خروج تخصصی دارند.

آنگاه که قوانین و مقررات مخلوق مرجع وضع داخلی کشورها هستند، تردیدی وجود ندارد (مثلاً قانون کلایتون)،^۴ اما در خصوص معاهدات، ذکر نکته‌ای لازم به نظر می‌رسد؛ بخش مهمی

۱. طباطبایی مومنی، منوچهر، *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*، تهران: نشر دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۲۳۱.

2. Alford, Roger P., the extraterritorial application of antitrust laws, the United States and European Community approaches, Virginia journal of international law, vol. 33, no.1, 1992, P2.

۳. کاتوزیان، ناصر، *فلسفه حقوق*، جلد ۱، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۸۰، صص ۴۲۰-۴۲۱.

4. Clayton Antitrust Act 1914.

از قوانین فراسرزمینی در نظام حقوقی اتحادیه اروپا خلق و خارج از آن، اجرا شده است (ماده ۱۰۱ و ۱۰۲ معاهده اجرایی سازی اتحادیه اروپا).^۱ در نظام حقوقی اتحادیه نمی توان معاهدات را معاهده بین المللی به معنای مرسوم کلمه دانست؛ زیرا اسنادی که در سطح معاهده توسط کشورها تصویب می شوند، به طور مستقیم در آنها اجرا می گردد و در دیوان دادگستری اتحادیه اروپا نیز مانند قوانین، مستند آرا قرار می گیرند. بنابراین در ماهیت، قانون محسوب می شوند و منبع درجه اول نظام حقوقی اتحادیه هستند. لذا همان گونه که مفهوم فراسرزمینی در حقوق اتحادیه معنای دیگری داشت، قانون نیز در همان بستر باید درک شود.^۲

۱.۳. محتوای قوانین و مقررات سرزمینی

از دیرباز به تبع تبویب ثنایی دانش حقوق به دو دسته عمومی و خصوصی، قوانین و مقررات نیز این گونه تقسیم شدند. نگارندگان نیز برای تبیین تفاوت قانون حاکم بر شرکت با قوانین و مقررات فراسرزمینی، تبویب ثنایی یاد شده را برای بیان محتوای قوانین و مقررات فراسرزمینی مورد استفاده قرار می دهند. از استقرا در مثال های مختلف قوانین و مقررات فراسرزمینی می توان وجه مشترکی را در محتوای این دسته قوانین و مقررات یافت و آن، آمیختگی نسبتاً قوی منافع عمومی و دولتی با منفعت خصوصی است. مقررات حقوق رقابت، کنترل ارز، تنظیم بازارهای سرمایه، صادرات و واردات به طور خاص در بستر گروه شرکتها مشهودترین مصادیق اعمال فراسرزمینی هستند که ملاحظه نفع عمومی بر خصوصی در آنها اولویت بالایی دارد.

در گروه شرکت های تجاری قوانین حوزه حقوق رقابت یکی از شایع ترین مصداقهاست.^۳ هنگامی که سخن از حقوق رقابت می شود، اغلب منظور اعمال یک سری سیاست های یک طرفانه از طرف دولت ها به منظور ایجاد تعادل در بازار میان بنگاه های اقتصادی است.^۴ که هدف آن، کارکرد مؤثر و منصفانه بازار است. نقطه تماس حقوق رقابت^۵ با گروه شرکتها در دو قسمت بسیار مشهود است: تشکیل گروه و اداره گروه. در قسمت نخست، تصاحب سهام یک

1. Treaty on the functioning of European Union.

2. Szudoczky, Rita. The sources of EU law and their relationships. IBFD, 2014, p15.

3. Pauper, Nada, Ina, opcit, P250.

4. Boarman, Patrick M, Schollhammer, Hans, multinational corporations and governments business government relations in an international context, USA, paper publishers Inc, 1975, P 97.

5. Competition law

شرکت توسط شرکت دیگر در یک کشور می‌تواند نظیر یک اتحاد تجاری^۱ منجر به انحصار^۲ شود^۳ و رقابت منصفانه و کارا در بازار کشور دیگر را خدشه‌دار کند و منجر به اعمال قوانین ضد انحصاری گردد. در قسمت دوم نیز انجام برخی از فعالیت‌ها توسط یک عضو گروه، می‌تواند کشور مقرر عضو دیگر را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهد که اعمال فراسرزمینی مقررات کشور متأثر را نسبت به عضو دیگر گروه، بطلبد.

دقت در مصداق یاد شده به خوبی امتزاج منافع عمومی و خصوصی را در این دسته از مقررات نشان می‌دهد. از این روست که دکترین در تسمیه آنها از عبارت «مقررات انتظامی»^۴ استفاده کرده است. به نظر می‌رسد این عبارت برگرفته از بند ۱ ماده ۳ قانون مدنی فرانسه است. در این بند آمده است که «مقررات انتظامی و مقررات راجع به نظم عمومی نسبت به تمام افرادی که در قلمرو سرزمینی فرانسه زندگی می‌کنند، الزام‌آور است»^۵. در نظام حقوقی ایران وجود قواعدی تحت عنوان مقررات انتظامی به صراحت مورد تصریح قرار نگرفته است.^۶ علاوه بر این، اثر فراسرزمینی این مقررات-تا آنجا که نگارندگان بر آن واقف هستند-به صورت فعالانه اعمال نشده است. ایران همواره موضوع-و نه واضح- این مقررات بوده است.

۱.۴. تشخیص قوانین و مقررات فراسرزمینی از مقررات نظم عمومی

تبادر مفهوم نظم عمومی از مفهوم قوانین و مقررات انتظامی، صحیح نیست و دلیلی جز اطراد ندارد. در این قسمت دو مفهوم یاد شده را به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم. نظم عمومی، مفاهیم بنیادین و اساسی مربوط به اخلاق، سیاست و مبانی تمدن در نظام حقوقی هر کشور^۷ است^۸ که در عرصه بین‌المللی نیز اثرگذار است و اثر آن ایجاد مانع برای

1. Cartel

2. monopoly

3. General secretariat of the organization of American states, Multinational enterprises, the legal framework, Washington D.C., Organization of American states, 1975, Pp 45_49.

4. Loi de police or loi d'application immediate.

5. Les lois de police et de sûreté obligent tous ceux qui habitent le territoire.

۶. ماده ۵ و ماده ۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مواردی اعمال فراسرزمینی قانون ایران را مجاز شمرده‌اند.

۷. صادقی، محسن، **مفهوم و اعمال نظم عمومی در مراجع قضایی و شبه قضایی و جلوه های نوین**

آن، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تابستان ۱۳۸۴، شماره ۶۸ ص ۹۰.

۸. بعد از ظهور حقوق اتحادیه، نظم عمومی در سطح اتحادیه نیز مطرح شده است. به عنوان مثال در یکی از آرای دیوان بین‌المللی دادگستری موازین حقوق رقابت، به عنوان نظم عمومی اتحادیه شناخته شده است. ر.ک:

Case C-126/97, Eco Swiss China Time Ltd. v Benneton Int'l NV, 1999, E.C.R. I-3079.→

اجرای قانون خارجی علی‌الاصول صلاحیتدار^۱ است. نظم عمومی خاص کشور مقرر دادگاه است و قاضی نظم عمومی کشور ثالث را مانع اجرای قانون حاکم صلاحیتدار نمی‌بیند. از آنجا که تفسیر نظم عمومی در اختیار دادگاه است، مصادیق آن متفاوت و رازآلود می‌باشد.

مقررات انتظامی مقرراتی هستند که گرچه برای تأمین منافع یک کشور وضع شده‌اند، متضمن محتوای حمایتگرانه نسبت به منافع اشخاص نیز هستند.^۲ این قوانین به اندازه نظم عمومی با بنیان‌های نظام حقوقی پیوند نخورده‌اند که توان منع اجرای قانون خارجی را داشته باشند، بلکه در کنار آن اعمال می‌شوند و با آن قابلیت جمع دارند. این مقررات، لزوماً مربوط به مقر دادگاه نیستند و می‌توانند مربوط به کشور ثالثی باشند که با موضوع دعوا ارتباط قوی دارد.

می‌توان گفت مقررات انتظامی حالتی فعال^۳ دارند و در هر حال^۴ اعمال می‌شوند،^۵ حتی اگر قاعده حل تعارض اقتضای اجرای آنها را نداشته باشد،^۶ اما مقررات مربوط به نظم عمومی که عمدتاً ریشه در قانون مقر دادگاه دارند، حالتی منفعل^۷ دارند و تنها در صورتی می‌توانند قابلیت اعمال یابند که قاعده حل تعارض، به قانون خارجی مجال اعمال دهد و موازین موجود در قانون

→ در رأیی که در دادگاه تجدید نظر پاریس صادر شد، در قرارداد نمایندگی میان یک شرکت فرانسوی - که شرکت فرعی یک شرکت امریکایی بود - و یک شرکت ایرانی، دادگاه، مقررات انتظامی کشور یونان را به صورت فراسرزمینی، اعمال نمود.

1. Applicable law

۲. در اتحادیه اروپا مقررات راجع به نمایندگی تجاری از جمله مقررات انتظامی است. به عقیده نگارنده گرچه قرارداد نمایندگی تجاری یک قرارداد از جنس حقوق خصوصی است، موازین حمایتی آن که به منظور صیانت از طرف قرارداد وضع شده است و در هر حال قابلیت اعمال دارد، از جنس حقوق عمومی است. علاوه بر این، قابلیت اجرای هم‌زمان این دسته از مقررات با قانون علی‌الاصول صلاحیتدار بر یک رابطه حقوقی، خود مؤیدی بر ماهیت عمومی و انتظامی این دسته از مقررات است. زیرا قانون علی‌الاصول صلاحیتدار، خود قاعده‌ای از جنس حقوق خصوصی است که در کشور خارجی قابلیت اجرا یافته است.

3. Active

4. Fiche a jour au 10 December 2006, Séance n.9, les lois de police, P10, available at: http://fdv-srv.univ-lyon3.fr/moodle/file.php/1/FPV2/Droit_international_et_communautaire/Droit_international_prive/Les_lois_de_police.pdf last visited: 11/6/2019.

5. Robert, Sabine, Les Loi de Police, Diplome Master, La Faculté de Droit Virtuelle est la plate-forme pédagogique de la Faculté de Droit de Lyon, December 2006, P10.

6. Vieira, Daniel Palomino, Les Loi de police etrangeres, https://www.academia.edu/28247289/Les_lois_de_police_%C3%A9trang%C3%A8res_Introduction last visited: 11/6/2019.

Francescakis, Phocion, Quelques précisions sur les "Lois d'application immédiate" et leurs rapports avec les règles de conflits de lois. Revue critique de Droit International Privé. 1966, p. 12.

7. Passive

خارجی، با نظم عمومی مغایرت داشته باشد.^۱ در اینجا است که نظم عمومی نه به عنوان جایگزین قانون حاکم، بلکه به عنوان مانع قانون خارجی، موجب اعمال قانون ماهوی مقر دادگاه می‌شود. البته تفاوت‌های ذکر شده به معنای تباین کامل دو مفهوم نیست؛ زیرا می‌توان شباهت‌ها و پیوندهایی را نیز میان این دو دسته از مقررات یافت. به عنوان مثال، هر دو دسته این مقررات، ملی و مخلوق نظام حقوقی داخلی هستند و مقرراتی جهان‌شمول یا بین‌المللی نمی‌باشند. علاوه بر این، آنجا که سخن از مقررات انتظامی مقر دادگاه باشد، این مفهوم با نظم عمومی پیوند می‌خورد و عدم رعایت آنها منجر به نقض نظم عمومی می‌شود. در کنوانسیون نیویورک برای شناسایی و اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی آمده است که عدم رعایت مقررات انتظامی محل اجرای رأی نمی‌تواند لطمه‌ای به اعتبار رأی وارد نماید، مگر اینکه عدم رعایت این مقررات، منجر به عدم رعایت نظم عمومی محل اجرا شده باشد. زیرا صرفاً عدم رعایت نظم عمومی مقر دادگاه در کنوانسیون نیویورک از موانع شناسایی و اجرای رأی می‌باشد.^۲

در مقابل این رویکرد، عده‌ای از حقوقدانان معتقدند که مقررات انتظامی می‌تواند جلوه‌ای از نظم عمومی باشد و نسبت به آن اصالت ندارد.^۳

شاید تبیین ارتباط مقررات انتظامی با نظم عمومی در قراردادها قابل فهم باشد.^۴ یکی از متون مبتکر در این حوزه کنوانسیون رم برای تعیین قانون قابل اعمال بر تعهدات قراردادی مصوب ۱۹۸۰ است. بند ۱ ماده ۷ این مقرر با عنوان مقررات اجباری^۵ بیان می‌کند: «زمانی که به موجب این کنوانسیون قانون یک کشور اعمال می‌شود، به مقررات امری قانون کشور دیگری که ارتباط نزدیکی با قرارداد دارد نیز باید ترتیب اثر داده شود. این مقررات فارغ از اینکه قانون قابل اعمال بر قرارداد چه باشد، اعمال می‌گردد. در اعمال این مقررات هم چنین باید به ماهیت و

1. Articles 21 Rome I and 26 Rome 2.

۲. قسمت ب از بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون نیویورک برای شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی.

۳. جنیدی، لعیا، *تبیین مفهوم نظم عمومی ملی در روابط بین الملل با تاکید بر قواعد امری حقوق عمومی*، ارج نامه دکتر الماسی، مقالات اهدا شده به دکتر نجادعلی الماسی، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱، صص ۹۹-۱۰۴.

4. Ebrahimi, Seyed Nasrollah, mandatory rules and other party autonomy limitations in international contractual obligations (with particular reference to the Rome Convention, 1980), UK, Athen press, 2005.

5. Mandatory rules

اهداف آنها و نتایجی که در صورت عدم اعمال ممکن است بروز دهد، توجه شود.^۱ در بند بعدی این ماده آمده است که اعمال این مقررات، مانع از اعمال مقررات امری مقرر دادگاه نیز نمی‌شود.^۲ بند یاد شده، به وضوح تفاوت مقررات انتظامی و نظم عمومی را بیان می‌کند؛ زیرا قابلیت اجرای هر دو را علاوه بر قانون علی‌الاصول صلاحیتدار به رسمیت شناخته است.

اعتبار این کنوانسیون در سال ۲۰۰۸ با تصویب مقرر رم یک پایان یافت. ماده ۹ مقرر جدید با عنوان مقررات اجباری حاکم،^۳ سعی در تکرار همین مضمون اما با تفاوتی اندک دارد:^۴ «مقررات امری حاکم مقرراتی هستند که توسط یک کشور به منظور صیانت از منافع عمومی، نظیر سازمان‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی‌اش در نظر گرفته می‌شوند تا حدی که آنها در هر موقعیتی که داخل در قلمرو این مقرر رم می‌گنجد (قابلیت اعمال دارند). این مقررات صرف‌نظر از اینکه قانون قابل اعمال بر قرارداد چه قانونی باشد، اعمال می‌شوند».^۵ در بند ۲ این ماده، نظیر آنچه که در کنوانسیون رم ۱۹۸۰ مقرر شده بود، امکان اعمال مقررات امری مقرر دادگاه در مقام نظم عمومی آمده است.^۶

1. When applying under this Convention the law of a country, effect may be given to the mandatory rules of the law of another country with which the situation has a close connection, if and in so far as, under the law of the latter country, those rules must be applied whatever the law applicable to the contract. In considering whether to give effect to these mandatory rules, regard shall be had to their nature and purpose and to the consequences of their application or non-application.

2. Nothing in this Convention shall restrict the application of the rules of the law of the forum in a situation where they are mandatory irrespective of the law otherwise applicable to the contract.

3. Overriding mandatory provisions

۴. به نظر می‌رسد که این تعریف از رأی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا گرفته شده است. ر.ک:

ECJ in joined cases C-369/96 and C-376/96 (judgement of the Court of Justice of 23 November 1999, Jean-Claude Arblade and Arblade&Fils SARL, C-369/96 and Bernard Leloup, Serge Leloup and Fofrage SARL – C-376/96).

5. 1. Overriding mandatory provisions are provisions the respect for which is regarded as crucial by a country for safeguarding its public interests, such as its political, social or economic organisation, to such an extent that they are applicable to any situation falling within their scope, irrespective of the law otherwise applicable to the contract under this Regulation.

6. Nothing in this Regulation shall restrict the application of the overriding mandatory provisions of the law of the forum.

تا قبل از تصویب این دو سند در ارتباط با اعمال مقررات انتظامی مقر، تردیدی وجود نداشت و اختلاف نظام های حقوقی در ارتباط با اعمال مقررات انتظامی کشور ثالث بود.^۱ (کشوری به جز مقر دادگاه و کشوری که قانون آن بر ماهیت دعوا قابلیت اعمال دارد).

مقرره رم ۲ مصوب ۲۰۰۷ در خصوص تعهدات غیر قراردادی در ماده ۱۶ خود صرفاً به مقررات انتظامی مقر دادگاه اشاره کرده و اجازه اعمال مقررات کشور دیگری به جز مقر دادگاه را نداده است.^۲ البته در ماده ۱۷^۳ روزهایی برای توجه به ضوابط ایمنی و رفتار محل وقوع فعل زیان بار پیش بینی شده است، اما صرفاً در حد یک امر موضوعی به ارزیابی رفتار عامل زیان کمک می کند. بعد از تصویب هر دو مقرره رم و تولید ادبیات حقوقی غنی در خصوص ماهیت و قلمرو مقررات انتظامی، این نکته از نظر مغفول ماند که مقررات انتظامی به جز حوزه قراردادهای و مسئولیت مدنی در سایر حوزهها نظیر شرکت های تجاری نیز مجال اجرا دارند.^۴

اکنون با گسترش حوزه فعالیت تجار در کشورهای مختلف و پذیرش اصل آزادی تأسیس^۵ در شرکت های تجاری در کشورهای کامن لا و بعد از آن در اتحادیه اروپا و ایجاد گروه های شرکتی، سخن از مقررات انتظامی در گروه شرکت های تجاری، به یکی از مهم ترین حوزه های قابل بحث تبدیل شده است؛^۶ زیرا گرچه قانون حاکم بر شرکت امور داخلی را نظام مند می نماید، اما

۱. به نظر می رسد که در حقوق اروپایی، قدمت قواعد امری اساسی بیش از کنوانسیون رم ۱۹۸۰ و مقرره های رم ۱ و ۲ می باشد. به عنوان مثال، در باب حقوق قراردادهای قانون مدنی آلمان Burgerliches Gesetzbuch، قاعده ای تحت عنوان sittenwidrigkeit وجود دارد که به معنای تخلف اخلاقی است و عدول از آن به موجب قرارداد مجاز شناخته نشده است. عده ای این قسم از قواعد را که منحصر به حقوق آلمان نیست، همان قواعد امری اساسی می دانند که بعدها در حقوق بین الملل خصوصی جایگاه خود را یافت.

Cordero-Moss, Giuditta, EU overriding mandatory provisions and the law applicable to the Merits, cited in the impact of EU law on commercial arbitration, United States, Jurisnet LLC., 2017, p317.

2. Overriding mandatory provisions Nothing in this Regulation shall restrict the application of the provisions of the law of the forum in a situation where they are mandatory irrespective of the law otherwise applicable to the non-contractual obligation.

3. In assessing the conduct of the person claimed to be liable, account shall be taken, as a matter of fact and in so far as is appropriate, of the rules of safety and conduct which were in force at the place and time of the event giving rise to the liability.

4. Mayer, Pierre, mandatory rules of law in international arbitration, *Arbitration International*, Volume 2, Issue 4, 1 October 1986, P276.

5. Freedom of establishment, freedom of incorporation.

۶. البته این اصل گرچه آزادی گردش شرکت ها را در اتحادیه تسهیل نمود، اما منجر به ایجاد تعارضات بسیار متعدد در حوزه قوانین حاکم بر شرکت ها شد.

Frost, Carsten, Transfer of companies seat, an unfolding story in Europe, *Victoria University of Wellington Law Review*, Vol 36, No 2, 2005.

شرکت‌های تجاری ناچارند قوانین امری را که مولود نظام حقوقی محل فعالیتشان می‌باشد، نیز رعایت نمایند. رویه قضایی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا، لزوم رعایت چنین مقرراتی را تأیید نموده است. در رأیی که در نوامبر ۲۰۰۰ در دیوان عالی اتحادیه اروپا صادر شد، لزوم رعایت مقررات امری کشور بلژیک برای شرکت فرانسوی که در بلژیک فعالیت می‌نمود، به رسمیت شناخته شد. این مقررات که مربوط به حداقل دستمزدهایی بود که کشور بلژیک برای کارگران در نظر گرفته بود، توسط شرکت فرانسوی نقض شده بود و دیوان در رأی خود از آنها به عنوان مقررات انتظامی که برای تأمین منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بلژیک تدوین شده‌اند، یاد نمود.^۱ این الزام همچنین برای تبعیت شرکت‌های تجاری از مقررات انتظامی کشور ثالث نیز مورد پذیرش قرار گرفته است.^۲ شورای دولتی فرانسه به رغم اینکه قانون تجارت فرانسه، قانون حاکم بر شرکت را تابع مقر اصلی آن دانسته بود، اعلام کرد که شرکت‌هایی که مقر اصلی‌شان در خارج از فرانسه واقع شده است -منظور شرکت‌هایی است که در خارج از فرانسه به ثبت رسیده‌اند- اما در فرانسه مشغول به انجام فعالیت تجاری هستند و بیش از پنجاه مستخدم دارند، باید مقررات انتظامی فرانسه را رعایت نمایند، این قاعده همچنین در خصوص شرکت‌های خارجی که مقر اصلی اداره‌شان در فرانسه است، صدق می‌کند.^۳

در گروه شرکت‌ها رعایت مقررات انتظامی محل فعالیت شرکت فرعی برای شرکت‌های مادر و رعایت مقررات انتظامی محل فعالیت شرکت‌های مادر برای شرکت‌های فرعی الزامی است.^۴

1. Judgment of the Court (Fifth Chamber) of 9 November 2000, <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/FR/ALL/?uri=CELEX%3A61998CJ0381> last visited: 12/6/2019.

2. Nord, Nicolas, Orde public Et lois de police en droit international prive, these pour le doctorate en droit, d l'universite Robert Sherman, June 2003, P343.

3. <https://www.doc-du-juriste.com/droit-public-et-international/droit-international/dissertation/lois-police-445697.htm> last visited: 13/6/2019, p3.

۴. در این رویکرد به دلیل وابستگی اقتصادی میان اعضای گروه، شرکت‌های تابعه در حد یک محل فعالیت یا نمایندگی تنزل شخصیت پیدا می‌کنند. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

Filatotchev, Igor, Wright, Mike, Agency Perspectives on Corporate Governance of Multinational Enterprises, *Journal of management studies*, vol 48, issue 2, 2011, 471-476, available at: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1763021 last visited: 10/1/2020.

Kiel, Geoffrey C., Hendry, Gavin J, Nicholson, Gavin J, corporate governance options for the local subsidiaries of multinational enterprises, *coporate gvernance, an international Review*, vol 14, no 6, November 2006, pp 568-576 Available at:

https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=939839 last visited: 10/12/2020.

حقیقتی که رویه قضایی نیز آن را تأیید می‌کند. دیوان عالی اتحادیه اروپا در یکی از آرای خود^۱ به لزوم رعایت مقررات انتظامی محل فعالیت توسط شرکتهایی که در یک کشور عضو اتحادیه به ثبت رسیده‌اند، ولی در کشور دیگر عضو اتحادیه فعالیت می‌نمایند، اشاره نموده است. دیوان مقررات کار و مسائل بیمه، بازنشستگی و سایر مسائل کارگران را از جمله مقررات انتظامی دانست که با اصل منع تحمیل مقررات و مقررات که یکی از اصول شناخته شده در اتحادیه است، مغایرتی ندارد.^۲ این اصل که در ماده ۴۹ و ۵۰ معاهده اتحادیه اروپا آمده، مقرر داشته است، کشورهای عضو اتحادیه نباید با تحمیل مقررات و مقررات اضافی بر بنگاه‌های اقتصادی مانع آزادی تأسیس و فعالیت آنها در اتحادیه شود.^۳

در سند پیش‌نویس اتحادیه اروپا راجع به قانون حاکم بر شرکتهای تجاری و سایر نهادها که در سال ۲۰۱۶ تهیه شد، آمده است که شرکت تابع قانون محلی می‌باشد که در آنجا تأسیس شده است؛^۴ اما این مانع از اعمال مقررات انتظامی کشور مقر دادگاه و نیز اعمال مقررات انتظامی

1. Arrêt de la Cour du 23 novembre 1999. Procédures pénales contre Jean-Claude Arblade et Arblade & Fils SARL (C-369/96) et Bernard Leloup, Serge Leloup et Sofrage SARL (C-376/96). Available at: <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/FR/TXT/?uri=CELEX%3A61996CJ0369> last visited: 10/6/2019.

2. Les articles 59 et 60 du traité s'opposent à ce qu'un État membre impose, même par des lois de police et de sûreté, à une entreprise établie dans un autre État membre et exécutant temporairement des travaux dans le premier État de verser, pour chaque travailleur détaché, des cotisations patronales au titre de régimes tels que les régimes belges de «timbres-intempéries» et de «timbres-fidélité» et de délivrer à chacun d'eux une fiche individuelle, alors que cette entreprise est déjà soumise à des obligations essentiellement comparables, en raison de leur finalité tenant à la sauvegarde des intérêts des travailleurs, du chef des mêmes travailleurs et pour les mêmes périodes d'activité, dans l'État où elle est établie. Available at: <https://eurlex.europa.eu/legalcontent/FR/TXT/?uri=CELEX%3A61996CJ0369> last visited: 10/6/2019.

3. Article 49: Within the framework of the provisions set out below, restrictions on freedom to provide services within the Community shall be prohibited in respect of nationals of Member States who are established in a State of the Community other than that of the person for whom the services are intended. The Council may, acting by a qualified majority on a proposal from the Commission, extend the provisions of the Chapter to nationals of a third country who provide services and who are established within the Community. Article 50: Services shall be considered to be "services" within the meaning of this Treaty where they are normally provided for remuneration, in so far as they are not governed by the provisions relating to freedom of movement for goods, capital and persons. "Services" shall in particular include: (a) activities of an industrial character; (b) activities of a commercial character; (c) activities of craftsmen; (d) activities of the professions. Without prejudice to the provisions of the chapter relating to the right of establishment, the person providing a service may, in order to do so, temporarily pursue his activity in the State where the service is provided, under the same conditions as are imposed by that State on its own nationals.

4. Chapter 3: Applicable law: Article 3: General rule: a company shall be governed by the law of the country which it has been incorporated entity, under which it has been formed.

کشوری که مقر اداره شرکت می‌باشد، نیست. در ماده ۱۰ این سند نیز تعریف جامعی از مقررات امری اساسی آمده است.^۱ در ماده ۱۱ با عنوان نظم عمومی مقر دادگاه آمده است: «اعمال موازین قانون هر کشوری که به موجب این سند تعیین می‌شود، تنها در صورتی ممکن است متوقف شود که اعمال آن آشکارا مخالف با نظم عمومی مقر دادگاه باشد».^۲

لازم به ذکر است که در کشورهای اروپایی نیز مقرراتی از این جنس وضع شده است. بند دوم ماده ۹۸ قانون مقابله با محدودیت رقابت آلمان^۳ و بند ۱ و ۲ ماده ۵۰ مقرر ۱۹ جولای ۱۹۷۷^۴ فرانسه، قانون حمایت^۵ از منافع تجاری انگلستان از این قبیل هستند.

۲. اصل سرزمینی بودن قوانین و مقررات و استثنای بر آن

در این قسمت به اصل سرزمینی بودن و استثنای آن به طور کلی و نحوه اعمال استثنای آن در گروه شرکت‌های تجاری می‌پردازیم.

۲.۱. اصل سرزمینی بودن قوانین و مقررات در گروه شرکت‌های تجاری

یکی از اصول مهم اعمال قوانین نسبت به سوژه‌ها یا موضوعات حقوقی، اصل سرزمینی بودن قوانین و مقررات است. از سال ۱۶۰۰ و هم‌زمان با معاهده وستفاليا که حاکمیت کشورها از منظر حقوق بین‌الملل عمومی به رسمیت شناخته شد، اعمال حاکمیت کشورها از جمله در بُعد تقنین نیز محدود به مرزهای خود گردید و نمودی از استقلال کشورها شد. مهم‌ترین اثر تحدید اعمال حاکمیت به مرزهای جغرافیایی خود، نزاکت بین‌المللی بود. انعکاس این اصل در حقوق بین‌الملل خصوصی هم مشهود شد، تئوری حقوق مکتسبه، خود، مخلوق تئوری سرزمینی بودن

1. Chapter IV: other provisions. Article 10 - Overriding mandatory provisions 1. Overriding mandatory provisions are provisions the respect for which is regarded as crucial by a country for safeguarding its public interests, such as its political, social or economic organisation, to such an extent that they are applicable to any situation falling within their scope, irrespective of the law otherwise applicable to the company under this Regulation. 2. Nothing in this Regulation shall restrict the application of the overriding mandatory provisions of the law of the forum. 3. Effect may be given to the overriding mandatory provisions of the law of another country in which the company has its central administration or is carrying on activities. In considering whether to give effect to those provisions, regard shall be had to their nature and purpose and to the consequences of their application or non-application.

2. Article 11 - Public policy of the forum :The application of a provision of the law of any country specified by this Regulation may be refused only if such application is manifestly incompatible with the public policy (*ordre public*) of the forum.

3. German Act against Restraints of competition 1957.

4. Statute of 19 July 1977.

5. Protection of trading interests Act1980.

قوانین و مقررات است. زیرا زمانی که حقی در کشوری برابر قوانین آن کشور به وجود می‌آید، ولی به کشور دیگر منتقل می‌شود، تابع قوانین کشور دوم است.^۱ شرکت‌های تجاری به عنوان سوژه‌های حقوق نیز از این قاعده مستثنی نبودند^۲ و تابع اصل سرزمینی بودن قوانین و مقررات قرار می‌گرفتند. باور بر این بود که این اصل قابلیت پیش‌بینی و کارآمدی مقررات حقوقی را افزایش می‌دهد. همچنین تقارن زمانی تفوق این اصل با عصر شکل‌گرایی حقوقی^۳ قابل توجه است؛ عصری که در آن عمدتاً وضع مقررات با تکیه بر عمل حقوقی و بدون توجه به سایر عوامل از جمله اثر عمل، تحقق می‌یافت.^۴

۲.۲. استثنای بر اصل سرزمینی بودن قوانین و مقررات در گروه شرکت‌های تجاری
در این قسمت به سیر تاریخی تحول اصل سرزمینی بودن قوانین و مقررات می‌پردازیم و استثنای اصل سرزمینی بودن قوانین و مقررات در گروه شرکت‌های تجاری را تشریح می‌نماییم.

۲.۲.۱. استثنای اصل در روابط غیر تجاری
متعاقب تغییر در اندیشه‌های حقوقی و حرکت از سمت فرمالیسم به سمت واقع‌گرایی^۵ و سپس عمل‌گرایی^۶ حقوقی، بیش از مهم بودن مکان‌گزینی جغرافیایی موضوعات حقوق، اثر عمل هم مرکز توجه قرار گرفت و به تبع شیوه صلاحیت تقنینی نیز تغییر یافت. یعنی به جای توجه به عمل و تحمیل قانون محل ایجاد بر آن، اثر عمل منشأ توجه و به تبع جری قانون شد. بر مبنای تئوری اثر^۷ هر قلمرو جغرافیایی که از عملی متأثر^۸ می‌شد، داعیه اعمال قوانین و مقررات خود را داشت، حتی اگر عمل، در قلمرو آن کشور واقع نشده بود.^۹

1. Parish, Austen L., the effects test: extraterritoriality's fifth business, Vanderbilt law review, vol 61, no 5, 2008, p1464.

2. Alvarez, Jose E., are corporations subjects of international law? Santa Clara Journal of International law, no.1, 2011, P31.

3. Legal formalism

4. Leiter, Brian, Legal formalism and legal realism, what is the issue? University of Chicago public law and legal theory working papers, no 32, 2010, p1.

5. Legal realism

6. pragmatism

7. Effect theory

۸. کشورها برای ضابطه‌مند نمودن این استثنا دست به تعیین معیارهای اثر برای اعمال قانون شدند که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

9. Samie, najeeb, the doctrine of "effects" and extraterritorial application of antitrust laws, University of Miami inter-American law review, Rev 23, 1982, P59.

از تقابل دو مفهوم شکل‌گرایی حقوقی و واقع‌گرایی حقوقی، استثنای اصل سرزمینی بودن قوانین و مقررات خلق شد و آن اعمال فراسرزمینی مقررات بود. همان‌گونه که تثبیت اصل، در بستر حقوق بین‌الملل عمومی صورت گرفت، استثنای آن نیز در همان عرصه پرورانده شد و نقطه آغاز آن، دعوای لوتوس^۱ بود.

۲.۲.۲. استثنای اصل در روابط تجاری

اصل سرزمینی اعمال مقررات در سایر عرصه‌ها نیز مصون از استثنا نماند. مهم‌ترین بستر این استثنا در عرصه حقوق بین‌الملل خصوصی و به طور خاص حقوق تجارت، گروه شرکت‌های تجاری است. با این تفاوت که اعمال فراسرزمینی مقررات در گروه شرکت‌های تجاری از مبانی متفاوتی تبعیت می‌کند که در واقع فرع تئوری اثر است. تئوری کنترل و تئوری بنگاه اقتصادی واحد^۲ جدیدترین مبانی اعمال فراسرزمینی مقررات در گروه شرکت‌های تجاری است که می‌توان گفت از تئوری اثر منشعب شده‌اند.

۳. مبانی اعمال فراسرزمینی قوانین و مقررات در گروه شرکت‌های تجاری

در گروه شرکت‌های تجاری دو مبانی کلی برای اعمال فراسرزمینی قوانین و مقررات وجود دارد: تئوری کنترل که منجر به اعمال فراسرزمینی مقررات مقرر شرکت مادر نسبت به شرکت‌های فرعی می‌شود و تئوری بنگاه اقتصادی واحد که منجر به اعمال مقررات مقرر شرکت فرعی نسبت به شرکت مادر می‌گردد.

۳.۱. استناد به تئوری کنترل در گروه شرکت‌های تجاری

اعمال مقررات کشور مقرر ثبت یا تأسیس شرکت مادر بر شرکت‌های فرعی نخستین مصداق اعمال فراسرزمینی مقررات بود.^۳ به عبارت دیگر، گسترش فعالیت‌های تجاری شرکت‌ها از حدود مقرر ثبت یا تأسیس خود، توجیه مناسبی برای عدول از اصل اولیه سرزمینی بودن قوانین و مقررات شد. اما به مرور و با افزایش وضع چنین مقرراتی مشخص شد که در واقع امکان متأثر شدن مقرر شرکت مادر از فعالیت‌های شرکت فرعی منجر به کنترل مقرراتی شرکت‌های فرعی -

1. (France v. Turkey 1926).

2. Single economic unit

3. <https://cdn.iccwbo.org/content/uploads/sites/3/2006/07/Extraterritoriality-and-business.pdf> last visited:5/6/2019.

علاوه بر کنترل اقتصادی و مدیریتی - نیز گردید. به عبارت بهتر، ایجاد اثر یا امکان ایجاد اثر، مجوز کنترل شرکت فرعی توسط شرکت مادر است. از این رو کشور مقرر شرکت مادر هر زمان، مقرره‌های را برای شرکت‌های خود وضع می‌نمود، شرکت‌های فرعی آنها را نیز مخاطب قرار می‌داد. از مهم‌ترین آثار کنترل شرکت مادر نسبت به شرکت‌های فرعی تأثیر پذیری اشخاص ثالث به ویژه طرف قرارداد با شرکت‌های فرعی است. در ماده ۴۱۴ بیانیه روابط خارجی ایالات متحده آمریکا آمده است^۱ که یک ایالت می‌تواند اعمال شعب و شرکت‌های خارجی را که در کشور دیگری به ثبت رسیده‌اند، اما تحت کنترل شرکت‌های آمریکایی هستند، قانونمند نماید^۲ که در راستای اجرای این مقرره دستورات یک‌طرفه و متعاقب آن دعاوی بسیار زیادی مطرح شده است.^۳ به دلیل اساسی بودن این مقرره^۴ قوانین بسیاری با این رویکرد تصویب شده است.

1. Restatement (third), foreign relations law of the united states (third) section 414 (1988):

عنوان این بخش صلاحیت قانون‌گذاری در ارتباط با فعالیت‌های شعب و شرکت‌های فرعی خارجی است:

Jurisdiction with respect to activities of foreign branches and subsidiaries:

1) Subject to articles 403 and 436 a state may exercise limited jurisdiction with respect to activities of foreign branches of corporations organized under its laws.

2) a state may not ordinarily exercise jurisdiction with respect to activities of corporations organized under the laws of a foreign state on the basis that they are owned or controlled or controlled by nationals of the state exercising jurisdiction. However subject to articles 403 and 436, it may not be **unreasonable** for a state to exercise limited jurisdiction with respect to activities of foreign entities.

ماده ۴۰۳ که در متن این ماده به آن اشاره شده است، به معرفی معیار معقول بودن می‌پردازد و ماده ۴۳۶ به بیان مواردی که می‌تواند تعارض منافی را میان دولت‌های مبدا و مقصد ایجاد نماید، می‌پردازد.

Houck, John B., restatement of the foreign relations law of the united states (revised): issues and resolutions, the international lawyer, vol 20, no 4, Fall 1986.

در متن این سند در و در بند ۳ ماده ۴۰۲ یکی از مبانی صلاحیت قانون‌گذاری همان تئوری اثر بیان شده است. در این ماده آمده است:

402. *BASES OF JURISDICTION TO PRESCRIBE*: Subject to § 403, a state has jurisdiction to prescribe law with respect to (1) (a) conduct that, wholly or in substantial part, takes place within its territory; (b) the status of persons, or interests in things, present within its territory; (c) conduct outside its territory that has or is intended to have substantial effect within its territory; 2) the activities, interests, status, or relations of its nationals outside as well as within its territory; and (3) certain conduct outside its territory by persons not its nationals that is directed against the security of the state or against a limited class of other state interests.

۲. یک سری دیگر از استانداردها هم بر اساس اینکه شرکت فرعی بخشی از یک بنگاه هست، بر این مجموعه بار می‌شود، مثل استانداردهای حسابداری، افشای اطلاعات، یا استانداردهای مالیاتی که از سوی شرکت مادر بر شرکت فرعی تحمیل می‌شود که این استانداردها می‌توانند هم توسط نهادهای بین‌المللی وضع شده باشند و هم محل ثبت شرکت مادر. البته این مسئله مانع از این نمی‌شود که مقرر شرکت فرعی مقرراتی را برای قانونمند نمودن شرکت فرعی در نظر گرفته باشد.

3. Note, Extraterritorial Subsidiary Jurisdiction, *Law and Contemporary Problems*, vol. 50, no. 3, Extraterritoriality of Economic Legislation, 1987. Pp72-83.

4. Article 1, section 8, clause 3: The Congress shall have Power To lay and collect Taxes, Duties, Imposts and Excises, to pay the Debts and provide for the common Defense and→

شاید قدیمی‌ترین قانونی که با این هدف تصویب شد، قانون شرمین^۱ باشد که در آن به صراحت علت کنترل مقرراتی شرکت‌های فرعی توسط شرکت مادر آمده است.^۲

در متن این قانون، اشاره‌ای به اثر فراسرزمینی آن نشده بود و سال‌ها در رویه قضایی نیز با رویکرد سرزمینی به آن استناد می‌شد.^۳ اما به مرور زمان، توسط رویه قضایی اثر فرا سرزمینی آن مورد پذیرش واقع شد.^۴ هرچند در بخش ۷ این قانون از تعریفی که برای شخص آمده است، می‌توان درک کرد که شرکت‌های خارجی که در قلمرو کشورهای دیگر واقع شده‌اند، نیز موضوع این قانون هستند و می‌توانند اثر فراسرزمینی قانون را موجب شوند.^۵

چند سال بعد، قانون قانون ضد انحصار کلایتون^۶ تصویب شد که گرچه در آن اثری نیز از محدودیت اقدامات یاد شده به قلمرو ایالات متحده آمریکا نبود، اما به نظر می‌رسد که با همان رویکردی انشا شده که قانون شرمین تصویب گردیده بود.^۷

←general Welfare of the United States; but all Duties, Imposts and Excises shall be uniform throughout the United States...[3] To regulate Commerce with foreign Nations, and among the several States, and with the Indian Tribes;

1. Sherman Antitrust Act(1890).

2. section 1. Trusts, etc., in restraint of trade illegal; penalty Every contract, combination in the form of trust or otherwise, or conspiracy, in restraint of trade or commerce among the several States, or with foreign nations, is declared to be illegal. Every person who shall make any contract or engage in any combination or conspiracy hereby declared to be illegal shall be deemed guilty of a felony, and, on conviction thereof, shall be punished by fine not exceeding \$10,000,000 if a corporation, or, if any other person, \$350,000, or by imprisonment not exceeding three years, or by both said punishments, in the discretion of the court. Section 2. Monopolizing trade a felony; penalty:Every person who shall monopolize, or attempt to monopolize, or combine or conspire with any other person or persons, to monopolize any part of the trade or commerce among the several States, or with foreign nations, shall be deemed guilty of a felony, and, on conviction thereof, shall be punished by fine not exceeding \$10,000,000 if a corporation, or, if any other person, \$350,000, or by imprisonment not exceeding three years, or by both said punishments, in the discretion of the court.

3. American Banana Co. V. United Fruit Co. 213 US 347 (1909).

4. Anti friction bearings, Timken Roller Bearing Co. v. United States ,341 U.S 593 (1951), see also united states v. Aluminum Co of America , 148 F.2d, 416 (2nd cir 1945).

5. Section 7.The word "person", or "persons", wherever used in sections 1 to 7 of this title shall be deemed to include corporations and associations existing under or authorized by the laws of either the United States, the laws of any of the Territories, the laws of any State, or the laws of any foreign country.

6. Clayton Antitrust Act (1914).

۷. به عنوان مثال، هرگونه تملک سهام شرکت در هر جا که رخ دهد، اما تجارت را در ایالات متحده تحت تأثیر قرار دهد، می‌تواند برابر این قانون ممنوع شمرده شود و این دقیقاً همان تئوری اثر است. بخش ۷ قانون یاد شده بیان می‌کند:

No person engaged in commerce or in any activity affecting commerce shall acquire, directly or indirectly, the whole or any part of the stock or other share capital and no person subject to the jurisdiction of the Federal Trade Commission shall acquire the whole or any part of the assets of another person engaged also in commerce or in any activity affecting commerce,→

در سال ۱۹۸۲ قانون بهبود تجارت خارجی غیرانحصارگرایانه^۱ تصویب شد. این قانون که اصلاحی برای قانون شرمین محسوب می‌شد، در مقام رفع ابهام و برای تبیین اثر فراسرزمینی قانون شرمین مقرر نمود که قانون شرمین نمی‌تواند به صورت فراسرزمینی نسبت به شرکت‌ها و اشخاص و معاملات خارجی اعمال شود، مگر اینکه عمل یادشده اثر مستقیم^۲، اساسی^۳ و به طور معقولی قابل پیش‌بینی^۴ را بر تجارت وارداتی و بازرگانی صادراتی ایالات متحده یا اتباع آن داشته^۵ باشد. البته دادگاه‌های ایالات متحده تفاسیر متفاوتی را از واژه‌های مستقیم، اساسی و به طور معقولی قابل پیش‌بینی، ارائه داده بودند، ولی تثبیت و تعیین حدود استثنای اصل سرزمینی بودن، از نقاط مثبت این قانون بود.^۸

یکی از قدیمی‌ترین دعاوی که در تثبیت اثر فراسرزمینی قوانین ایالات متحده نسبت به شرکت‌های خارجی نقش مهمی داشت، دعوای ایالات متحده علیه شرکت آلوکا است.^۹ آلوکا که از طریق شرکت‌های فرعی بسیاری در کشورهای بسیاری از دنیا مثل اسپانیا و کانادا فعالیت می‌نمود، توسط مقام ناظر بر اجرای قوانین ایالات متحده^{۱۰} به دلیل ایجاد انحصار در بازار، جرمه و ملزم به انحلال شد. ایجاد انحصار از آنجا نشئت گرفته بود که آلوکا با چهار شرکت فرانسوی، سوئیسی، انگلیسی و کانادایی اتحاد تجاری^{۱۱} را در خارج از امریکا تشکیل دادند که رقابت آزاد را در ایالات متحده امریکا خدشه‌دار نموده بود.

← where in any line of commerce or in any activity affecting commerce in any section of the country, the effect of such acquisition may be substantially to lessen competition, or to tend to create a monopoly.

1. Foreign Trade Antitrust Improvement Act (1982) (“FTAIA”).

2. direct

3. substantial

4. Reasonably predictable

5. Sections 1 to 7 of this title shall not apply to conduct involving trade or commerce (other than import trade or import commerce) with foreign nations unless—

(1) such conduct has a direct, substantial, and reasonably foreseeable effect—

6. Olmstead, Cesil J., Extraterritorial application of laws and responses thereto, Oxford, ESC publishing limited, 1948, P68.

7. Guidice, Lauren, Tagged: foreign trade antitrust improvement Act, what effects are direct enough to satisfy the FTAIA: an analysis of 2014 FTAIA decisions, vol 35, issue 1, spring 2017, available at: https://www.bu.edu/ilj/tag/foreign-trade-antitrust-improvements-act/#_ednref2 last visited: 2/3/2019.

8. Pearlstein, Debra J., Bloch, Robert E., Hatry, Ronan P., Hewitt, Paul B., Saferstein, Harvey I., Serota, James I., Tom, Willard K., Antitrust Law development, fifth edition, vol 2, Illinois, American bar association, 2002, P1118.

9. United States v. Aluminum Co of American (Aloca) (1945).

10. Department of justice

11. Cartel

دولت ایالات متحده، علیه آلوکا و شرکتهای فرعی‌اش در سال ۱۹۳۸ در دادگاه طرح دعوا نمود، اما بعد از چهارسال، دادگاه قرار رد دعوا صادر نمود. دولت از این رأی، تجدیدنظرخواهی نمود. دیوان عالی ایالات متحده قانون شرمین را به صورت فراسرزمینی علیه شرکت کانادایی که شرکت فرعی یک شرکت امریکایی بود، اعمال، و آلوکا و تمام شرکتهای فرعی آن را جرمه نمود. قاضی^۱ در رأی خود به تئوری اثر، اشاره کرده است. در استدلال دادگاه آمده است که هر کشور می‌تواند مسئولیت‌هایی را نسبت به افرادی تحمیل نماید که مرتکب اعمالی شده‌اند که در خارج ارتکاب یافته، اما اثر آن در داخل کشور اخیر قابل تعیین است. قاضی استدلال خود را از این طریق تقویت نمود که تحمیل چنین مسئولیت‌هایی بر اتباع خارجی کاملاً به لحاظ حقوقی شناسایی می‌شود.^۲ مستند رأی دادگاه، ماده ۱۸ بیانیه دوم تعارض قوانین بود که مجوز اعمال فراسرزمینی قوانین ایالات متحده را ایجاد اثری توسط اتباع خارجی به شکل قابل پیش‌بینی، مستقیم و اساسی دانسته است.^۳ استناد به ماده ۱۸ یادشده و تأیید صحت اعمال قانون امریکا بر شرکتهای فرعی، نمود بارز کنترل شرکت مادر بر شرکتهای فرعی است.

1. Judge Learned Hand

قاضی یاد شده که اصالتاً امریکایی بود، مطالعات عمیقی در فلسفه حقوق داشته است و محققان امریکایی به آرای وی در نوشته‌هایشان بسیار استناد می‌کنند. همچنین در آرای دادگاه عالی ایالات متحده به نظارت این قاضی بسیار توجه می‌شود و مورد استناد قرار می‌گیرد. به نقل از:

https://en.wikipedia.org/wiki/Learned_Hand last visited: 27/12/2019.

۲. در دعوی *United States v. General Electric Co.* که در سال ۱۹۲۶ مطرح شد، دادگاه به لزوم مستقیم و اساسی بودن اثر ایجاد شده در ایالات متحده استناد نمود و آن را به عنوان شرط لازم برای اعمال فراسرزمینی مقررات ایالات متحده در نظر گرفت. این در حالی است که در دعوی *Occidental Petroleum Corp v. Buttes Gas & Oil Co.* که در سال ۱۹۷۱ مطرح شد، دادگاه هریک از این شروط را (یا اساسی بودن یا مستقیم بودن) برای اعمال فراسرزمینی مقررات کافی دانست. آنچه از قدر متین آرا به دست می‌آید، این است که اثر ایجاد شده نباید اندک، کم و قابل چشم‌پوشی باشد. در آن سال‌ها کمیسیون اروپا به طور خیلی نادر مقررات رقابتی خود را به کشورهای خارج از اتحادیه سرایت می‌داد و بیش از اثر که در ایالات متحده محل بحث بود، به عمل تکیه داشت و دیوان عالی اتحادیه اروپا نسبت به اوصاف عمل بیش از اثر مناقشه می‌نمود. نمونه آن دعوی امپریکال کمیکال اینداستریز است که در قسمت بعدی به آن اشاره خواهیم کرد.

Ibid pp14,26,48.

3. Jurisdiction to Prescribe with Respect to Effect within Territory. A State has jurisdiction to prescribe a rule of law attaching legal consequences to conduct that occurs outside its territory and causes an effect within its territory, if either (a) the conduct and its effects are generally recognized as constituent elements of a crime or tort under the law of states that have reasonably developed legal systems, or (b) (i) the conduct and its effects are constituent elements of activity to which the rule applies; (ii) the effect within the territory is substantial; (iii) it occurs as a direct and foreseeable result of the conduct outside the territory; and (iv) the

در دعوی دیگری^۱ دیوان عالی ایالات متحده قانون شرمین^۲ را بر شرکت فرعی کانادایی که تحت کنترل شرکت امریکایی بود، قابل اعمال تشخیص داد؛^۳ زیرا شواهد حاکی از آن بود که این شرکت محل رقابت میان شرکت‌های امریکایی شده است.^۴

بیست سال بعد از این دعوا، در ۲۲ ژوئن ۱۸۹۲ ایالات متحده در اقدامی^۵ فراسرزمینی، ورود محموله‌های تجاری را از کشورهای ثالث به اتحاد جماهیر شوروی به بهانه امکان ایجاد اختلال در بازار ایالات متحده ممنوع نمود. مخاطب این مقرر به طور خاص، شرکت‌های فرعی بودند که تحت کنترل شرکت‌های مادر امریکایی قرار داشتند. نخستین معترضان این دستور، کشورهای اروپایی بودند که مقر شرکت‌های فرعی طرف معامله با اتحاد جماهیر شوروی محسوب می‌شدند. دعوی شرکت صنعتی درسر علیه بولدريج^۶ مثال خوبی برای این فرمان است. خواهان شرکت فرعی یک شرکت امریکایی بود که تابعیت فرانسوی داشت و بدون توجه به دستور یادشده به صادرات کالا به اتحاد جماهیر شوروی ادامه داده و در واکنش به این اقدام، تمام مجوزهای تجاری صادراتی این کشور از سوی ایالات متحده لغو شده بود. شرکت فرعی فرانسوی که از دستور یادشده متضرر شده بود، در دادگاه امریکایی تقاضای صدور دستور موقت برای توقف این دستور و بازگرداندن وضعیت به حالت سابق^۷ را نمود. دادگاه از صدور دستور موقت به دلیل فقدان دلایل کافی ارزی توسط شرکت فرانسوی خودداری کرد، با این استدلال که دستور صادر شده از ایالات متحده در راستای اعمال سیاست‌های تجارت خارجی این کشور بوده است و نمی‌تواند با دستور موقت دادگاه متوقف شود. این مقرر یک مقررۀ سیاسی است که از سوی دولت امریکا صادر شده است و به موجب قانون اساسی ایالات متحده برای دادگاه‌ها الزام‌آور است.

←rule is not inconsistent with the principle of justice generally recognized by states that have reasonably developed legal systems.

1. Continental Ore Co. V Union Carbide & Carbon Corp (1962).

2. Sherman Act

3. Available at: <https://www.law.cornell.edu/supremecourt/text/370/690> last visited: 2/3/2019.

این رویکرد در چندین دعوی دیگر هم مورد پذیرش قرار گرفت.

In Timberlane Lumber Co. v. Bank of America, N.T. & S.A., (1976), Mannington Mills Inc. v. Congoleum Corp (1979), Duminicus Americana Bohio v. Gulf & Western Industries (1979).

۴. برای مشاهده تفصیل این دعوا رک: سلیمان‌زاده، سمیرا، *گروه شرکت‌های تجاری*، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۰، صص ۲۵۳-۲۵۴.

5. The soviet pipeline canctions 1982.

6. *Dresser industries, Inc v. Malcolm Baldrige, Secretary United States Department of Commerce*(1982).

7. Injunctive relief

رویکرد یاد شده، قاطع نبود. دعوای شرکت سهامی عام کمپین یوروپین پترولز علیه شرکت سنسور نیدرلند^۱ که در سال ۱۹۸۳ مطرح شد، مثال این رویکرد مخالف است. در این دعوا دادگاه استدلال نمود که کنترل شرکت‌های فرعی خارجی توسط شرکت مادر امریکایی قابل پذیرش نیست. زیرا قرارداد میان شرکت هلندی و شرکت فرانسوی، اثر مستقیم و قابل پیش‌بینی در قلمرو ایالات متحده ایجاد نمی‌کند که صلاحیت فراسرزمینی آن بر اساس تئوری اثر قابل توجیه باشد. بر این اساس، دادگاه شرکت خوانده را محکوم به اجرای قرارداد نمود.

اعمال یک‌طرفه قوانین ایالات متحده نسبت به شرکت‌های خارجی گاهی تحت عنوان مقرره‌های بلوکینگ^۲ و یا اقدامات دفاعی^۳ نیز جلوه‌گر می‌شود^۴ که به مرور زمان بر شمار این قسم مقرره‌ها اعم از داخلی و بین‌المللی افزوده شده است.^۵ این گونه مقررات علیه بسیاری از کشورها از جمله کره شمالی، چین، کوبا، کشورهای عربی، اتحاد جماهیر شوروی، افریقای جنوبی، نامبیا و ایران اعمال شده است.

در ایالات متحده با تصویب قانون «خاذهی و فساد سازمانی»^۶ این گونه از توسعه صلاحیت قانونی در بعد قوانین کیفری^۷ و به ویژه در زمینه نقض حقوق بشر و نقض محیط زیست مورد

1. Campaign Europeenne Des Pertols v. Sensor Netherland (1983).

2. Blocking statutes

3. Defensive measures

4. Castel, J.G, extraterritoriality in international trade, Canada and United states of America practices copared, Toronto, Butterwoths, 1928 ,Pp131_136.

5. with the enemy Act 1917, §1_44, foreign assts control regulations, 31 C.F.R. 500.329 (1984), the export administration Act, 1979, 50 U.S.C.App 2401, the international emergency economic powers Act 1977 §1701_1706.

6. Racketeer Influenced and Corrupt Organizations Act (RICO) 1970.

۷. به نظر می‌رسد از آنجا که در نگاه اول، ارتکاب جرایم بیش از اعمال تجاری می‌تواند امنیت و صلح را در کشورها به هم بزند و نیز حمایت از اتباع و نیز موجودیت کشور زبان‌دیده را تحت تأثیر قرار دهد، لذا هم صلاحیت قضایی و هم صلاحیت قانونی فراسرزمینی ابتدا در حوزه این جرایم مطرح شد. دعوای لوتوس در حوزه صلاحیت قضایی در جزای بین الملل مویدی بر این است. برای مطالعه بیشتر ر.ک: مقصودی، رضا، **دستاوردهای حقوق بین‌الملل**

عمومی در زمینه تعارض دادگاه‌ها، مجله حقوقی بین‌المللی، بهار و تابستان ۱۳۹۳، شماره ۵۰، ص ۵۸.

این عقیده به حدی در حقوق بین‌الملل عمومی مسلم بود که پذیرش آن در عرصه‌های حقوق بین‌الملل خصوصی بسیار دشوار بود تا بدانجا که در مقالات و نوشته‌های سال‌های ۱۹۸۰، استفاده از اثر فراسرزمینی به استناد فعالیت‌های تجاری غیر ممکن و منوط به تحول حقوق بین‌الملل در سال‌های آتی گردیده است! یکی از مهم‌ترین دلایلی که دادگاه‌ها به استناد آن از سرایت این سنخ قوانین جلوگیری می‌کردند، نظم عمومی بود؛ یعنی این گونه تعبیر می‌نمودند که اعمال فراسرزمینی مقررات در کشور دیگر مخالفت در امور داخلی آن و خلاف نظم عمومی است. ←

استناد قرار گرفته است.^۱

در ارتباط با اثر فراسرزمینی قوانین ایالات متحده، شاید هیچ کشوری بیش از ایران موضوع این دسته از مقررات نبوده است. وضعیتی که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده و تاکنون ادامه دارد. به عنوان مثال، وزارت خزانه‌داری ایالات متحده^۲ بانک‌های امریکایی را به عنوان شرکت مادر ملزم کرده است که معاملات خود و شرکت‌های تحت کنترل خود با ایران را به دفتر کنترل دارایی‌های خارجی^۳ گزارش دهند.^۴ هرچند امکان ایجاد اثر مستقیم، اساسی قابل پیش‌بینی که باید مبنای کنترل باشد، در این مقوله قابل تردید است.

۳.۲. استناد به تئوری بنگاه اقتصادی واحد در گروه شرکت‌های تجاری

با گذشت زمان و افزایش مصادیق اعمال فراسرزمینی مقررات در دادگاه‌ها دو تحول رخ داد: نخست اینکه کشورهای متأثر از اعمال قوانین کشور مقرر شرکت مادر، به رغم مخالفت‌های فراوان،^۵ منفعلی باقی نماندند و طی یک اقدام متقابل مبادرت به وضع قوانینی^۶ با اثر فراسرزمینی نمودند. پدیده‌ای که نمود آن اعمال قوانین مقرر شرکت فرعی بر شرکت‌های مادر خارجی بود.

← Samie, Najeeb, Opcit, p58.

به نظر می‌رسد که مبنای اعمال قوانین به صورت فراسرزمینی در حقوق کیفری، تئوری حمایت و در حقوق رقابت تئوری اثر باشد.

۱. محبی، محسن و ناصر ضیایی، پیشین، ص ۱۳.

2. Department of treasury

3. Office of foreign assets control (OFAC).

4. The general prohibition on trading with Iran was removed in 1981: exec order no 12,282, 46 fed. reg 7925(1981), export controls abolished in 1981, reinstated in 1984 as antiterrorism measures. As to whether the president had the power to suspend the claims of America nationals against Iran and to terminate such claims through binding arbitration in an Iran_united states claims tribunal

See also: <https://www.casebriefs.com/blog/law/constitutional-law/constitutional-law-keyed-to-chemerinsky/the-federal-executive-power/dames-moore-v-regan-secretary-of-the-treasury/> Last visited: 5/9/2018.

5. The european communities comments on the U.S regulations concerning trade with the U.S.S.R(1982), 21 Int'l Leg.Mat.891.

۶. مواد ۸۵ و ۸۶ معاهده جامعه اقتصادی اروپا (European economic community treaty) EEC treaty امثال خوبی برای این قسم مقررات است.

PART THREE — Policy of the Community, TITLE I — Common Rules, Chapter 1 — Rules Governing Competition, Section 1 — Rules applying to enterprises Article 85: 1. The following shall be deemed to be incompatible with the Common Market and shall hereby be prohibited: any agreements between enterprises, any decisions by associations of enterprises and any concerted practices which are likely to affect trade between the Member States and which have as their object or result the prevention, restriction or distortion of competition within the Common Market, in particular those consisting in:→

دوم اینکه قضات این کشورها به جای استناد به تئوری کنترل، عمدتاً در مقام واحد تلقی نمودن اعضای یک گروه شرکت‌ها برآمده‌اند و با خلق دکترین بنگاه اقتصادی واحد در مقام توجیه اعمال فراسرزمینی قوانین و مقررات خود به شرکت مادر اقدام کرده‌اند. هرچند این تئوری نیز حامل جوهره‌ای از تئوری اثر است،^۱ وقتی عمل شرکت مادر در کشور فرعی منشأ اثر می‌شود، کشور اخیر قانون خود را به شرکت مادر به عنوان عامل اثر، سرایت می‌دهد. یکی از نخستین دعاوی که با این رویکرد تصمیم‌گیری شد، دعاوی شرکت با مسئولیت محدود امپریکال کمیکال اینداستریز^۲ علیه کمیسیون اتحادیه اروپاست. این دعوا متضمن طرح دعاوی کمیسیون علیه شرکت‌های مادر و فرعی است. شرکت فرعی مرتکب قیمت‌گذاری غیر منصفانه‌ای شده بود که ادعای عدم دخالت شرکت مادر در آن را داشت. دادگاه با بررسی این مسئله که نخستین قیمت‌گذاری غیرمنصفانه از طریق پیام خصوصی به منظور مشورت با شرکت مادر صورت گرفته است، این نحوه قیمت‌گذاری را که در بازار اتحادیه محل رقابت آزاد شده بود، متناسب به شرکت مادر دانست و آن را جریمه نمود. شرکت مادر علیه کمیسیون یاد شده در

←(a) the direct or indirect fixing of purchase or selling prices or of any other trading conditions;(b) the limitation or control of production, markets, technical development or investment;(c) market-sharing or the sharing of sources of supply;(d) the application to parties to transactions of unequal terms in respect of equivalent supplies, thereby placing them at a competitive disadvantage; or(e) the subjecting of the conclusion of a contract to the acceptance by a party of additional supplies which, either by their nature or according to commercial usage, have no connection with the subject of such contract. 2. Any agreements or decisions prohibited pursuant to this Article shall be null and void.3. Nevertheless, the provisions of paragraph 1 may be declared inapplicable in the case of:— any agreements or classes of agreements between enterprises,— any decisions or classes of decisions by associations of enterprises, and— any concerted practices or classes of concerted practices which contribute to the improvement of the production or distribution of goods or to the promotion of technical or economic progress while reserving to users an equitable share in the profit resulting therefrom, and which:(a) neither impose on the enterprises concerned any restrictions not indispensable to the attainment of the above objectives;(b) nor enable such enterprises to eliminate competition in respect of a substantial proportion of the goods concerned. Article 86 :To the extent to which trade between any Member States may be affected thereby, action by one or more enterprises to take improper advantage of a dominant position within the Common Market or within a substantial part of it shall be deemed to be incompatible with the Common Market and shall hereby be prohibited.Such improper practices may, in particular, consist in: (a) the direct or indirect imposition of any inequitable purchase or selling prices or of any other inequitable trading conditions;(b) the limitation of production, markets or technical development to the prejudice of consumers;(c) the application to parties to transactions of unequal terms in respect of equivalent supplies, thereby placing them at a competitive disadvantage; or(d) the subjecting of the conclusion of a contract to the acceptance, by a party, of additional supplies which, either by their nature or according to commercial usage, have no connection with the subject of such contract.

1. Basedow, Jurgen, Wurmnest, wolfgang, structure and effects in EU competition law, studies in Exclusionary conduct and state Aid, Netherlands, Wolster Kluwer, 2011, P11.

2. Judgment of the Court of 14 July 1972. Imperial Chemical Industries Ltd. v Commission of the European Communities.

دیوان دادگستری اتحادیه اروپا طرح دعوا نمود، با این استدلال که عمل قیمت‌گذاری توسط شرکت فرعی صورت گرفته و کمیسیون صلاحیت نداشته نسبت به شرکت مادر که عضوی از اتحادیه نبوده است، اعمال قانون کند. کمیسیون ضمن عدم پذیرش این استدلال، در رأی خود استدلال کرد: «شرکت فرعی یک شرکت تماماً فرعی است و اعمال آن به واسطه وحدت اقتصادی به شرکت مادر منسوب می‌شود».^۱

دعوی مهم دیگری که با این رویکرد تصمیم‌گیری شده، دعوی کانتیننتال^۲ است که در سال ۱۹۷۳ تصمیم‌گیری شد. دیوان عالی اتحادیه اروپا این گونه استدلال نمود: «شرکت فرعی آلمانی که در مقر اتحادیه اروپا واقع شده است، به تنهایی شناخته شده نیست و وابسته به شرکت مادر خود است که در امریکا واقع شده و همه آنها یک واحد اقتصادی محسوب می‌شوند».^۳

در دعوی دیگری موسوم به دعوی کامرشپال سالونت،^۴ قوانین اتحادیه‌ای بر مبنای تئوری بنگاه اقتصادی واحد به صورت فراسرزمینی اعمال شد. دیوان عالی با این استدلال که هردوی اینها یک واحد اقتصادی را تشکیل می‌دهند^۵ و مخل رقابت آزاد در بازار اتحادیه شده‌اند، ماده ۸۶ معاهده اتحادیه اروپا^۶ را بر هر دو اعمال و هر دو را جریمه نمود.^۷ استناد به تئوری بنگاه اقتصادی واحد در دعوی دیگری^۸ نیز مد نظر قرار گرفته است.^۹

1. Day Wallace, Day Wallace, Cynthia, legal control of multinational enterprises, Netherlands, Martinus Nijhoff Publications, 1982, P114.

2. Europballage corporation and continental company incorporation v. commission of the European communities (1973).

این دعوا از جمله دعوی نقض حقوق رقابت و در راستای ماده ۸۶ معاهده اتحادیه اروپا می‌باشد.

۳. برای مطالعه شرح دو دعوی اخیر رک: سلیمان زاده، سمیرا، پیشین، صص ۲۵۹-۲۶۱.

4. Judgment of the Court of 6 March (1974): Istituto Chemioterapico Italiano S.p.A. and Commercial Solvents Corporation v Commission of the European Communities.

5. Where a parent company legally and institutionally controls its foreign subsidiary (in case by a 51 percent shareholding, 50 percent representation on the board of directors and the chairmanship of the board with a casting vote) and in fact favours its subsidiary in supplying an essential raw material (for which it holds a dominant position) which it is withholding from a competitor, then as regards that competitor the parent and subsidiary companies may be regarded as a single economic unit and jointly and severally responsible for the conduct complained of.

6. Article 86 of the EC Treaty.

7. In the case of public undertakings and undertakings to which Member States grant special or exclusive rights, Member States shall neither enact nor maintain in force any measure contrary to the rules contained in this Treaty, in particular to those rules provided for in Article 12 and Articles 81 to 89.

8. Undertakings entrusted with the operation of services of general economic interest or having the character of a revenue-producing monopoly shall be subject to the rules contained in this Treaty, in particular to the rules on competition, insofar as the application of such rules does not obstruct the performance, in law or in fact, of the particular tasks assigned to them. The development of trade must not be affected to such an extent as would be contrary to the interests of the Community.

9. The Commission shall ensure the application of the provisions of this Article and shall, where necessary, address appropriate directives or decisions to Member States.

در نظام حقوقی ایران شاید بتوان با وضع مقررات متقابل این چنینی تجاری اقدام مشابهی نظیر کشورهای عضو اتحادیه نمود. هرچند در برخی زمینه‌ها اقدامات متقابل صورت گرفته است،^۱ اما کافی به مقصود به نظر نمی‌رسد. همچنین تفسیر مجموعه‌ای از شرکت‌ها به عنوان یک بنگاه اقتصادی واحد در نظام حقوق ایران با مبانی فکری فعلی حاکم بر شخصیت حقوقی تعارض دارد که مجال طرح آن در این مقاله نمی‌گنجد، هرچند با توجه به اینکه ایران بیشتر مقر شرکت‌های فرعی است، استفاده از این تئوری بیش از تئوری کنترل-که بیشتر مناسب مقر شرکت‌های مادر است-کارایی دارد.

۱. به عنوان مثال ماده ۳ قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی طی یک اقدام متقابل مبادرت به سلب مصونیت دولت‌های خارجی نموده است.

نتیجه‌گیری

از دیرباز وضع و اجرای قوانین و مقررات توسط مقام قانون‌گذار کشورها محدود به مرزهای جغرافیایی‌شان بوده است. این رویکرد به دلیل غلبه شکل‌گرایی حقوقی و تمرکز بر عمل و محل وقوع آن بوده است. به مرور زمان و متعاقب تحول در مناسبات حقوقی میان افراد از یک سو و تغییر و تکامل در اندیشه‌های حقوقی از سوی دیگر، اصل سرزمینی بودن قوانین و مقررات با استثناهایی مواجه شد. نخستین استثنا در دعاوی بین‌المللی دولت‌ها بروز و ظهور یافت، آنجا که قضات محاکم به جای توجه به عمل و محل وقوع آن، به اثر عمل توجه نموده و قانون کشوری که بیشترین اثر را از عمل دریافت نموده است، حاکم بر دعا دانستند، حتی اگر عمل در قلمرو آنها واقع نشده باشد. استثنای اصل سرزمینی بودن که با تئوری اثر توجیه می‌شد، محدود به روابط بین‌المللی دولت‌ها نماند و به سایر عرصه‌های حقوقی سرایت یافت. سرایت استثنای یادشده به سایر عرصه‌های حقوقی از جمله حقوق تجارت ضمن گسترش این استثنا، حدود و ثغور آن را نیز مشخص نمود. در این گونه دعاوی مشخص شد که اثر عمل در صورتی می‌تواند مجوز اعمال فراسرزمینی مقررات شود که مستقیم، اساسی و به طرز معقولی قابل پیش‌بینی باشد. تئوری یاد شده در سایر عرصه‌ها نیز مبنای اعمال فراسرزمینی مقررات گردید و در هر عرصه منجر به خلق تئوری‌های فرعی برای اعمال این چنینی مقررات شد.

در عرصه حقوق شرکت‌های تجاری مهم‌ترین، بستر اعمال فراسرزمینی مقررات، گروه شرکت‌های تجاری است. در حقوق گروه شرکت‌های تجاری دو تئوری کنترل و بنگاه اقتصادی واحد مبنای اعمال فراسرزمینی مقررات است. تئوری کنترل حاکی از آن است که شرکت مادر علاوه بر اینکه می‌تواند شرکت‌های فرعی را تحت تسلط مدیریتی و اقتصادی خود قرار دهد، قادر به کنترل مقرراتی آن نیز می‌باشد. از این رو هر زمان که عمل شرکت‌های فرعی به صورت بالفعل یا بالقوه منجر به ایجاد اثری در کشور مقر شرکت مادر شود، قانون شرکت مادر نسبت به شرکت‌های فرعی نیز اعمال می‌گردد. تئوری بنگاه اقتصادی واحد حاکی از آن است که شرکت‌های عضو یک گروه اگر وحدت اقتصادی داشته باشند، به مثابه یک واحد تلقی می‌شوند و تابع یک قانون خواهند بود.

در خصوص اینکه کدام دسته از مقررات می‌توانند به این شکل اعمال شوند، باید گفت قانون حاکم بر شرکت که حسب مورد قانون محل تأسیس یا ثبت یا مقر واقعی فعالیت‌های شرکت

است، در خصوص هر عضو گروه به طور اختصاصی اجرا می‌شود. آن دسته از مقرراتی که غایت آنها عمدتاً تأمین یک منفعت عمومی است، در کنار قانون حاکم بر شرکت و در هر حال نسبت به شرکت اجرا می‌شوند، حتی اگر شرکت یاد شده در قلمرو آن کشور واقع نشده باشد. به عنوان مثال، شرکت‌های فرعی باید مقررات کنترل صادرات و وارداتی را که توسط مقر شرکت مادر وضع می‌شود، رعایت کنند یا شرکت مادر باید ضوابط تشکیل اتحادیه‌های تجاری را در مقر شرکت‌های فرعی رعایت نماید. مقررات رقابت، صادرات و واردات، کیفری بین‌المللی، زیست محیطی، حقوق بشری و... از این قبیل هستند. کشوری همچون ایران که قاعداً مقر شرکت‌های فرعی و ملزم به رعایت این دسته از مقررات است، می‌تواند با وضع مقررات متقابل در مقابل این امپریالیسم قانون‌گذاری مقاومت نماید و کشورهای دیگر را ملزم به رعایت مقررات این چینی خود کند، همان‌گونه که کشورهای قاره‌ای نیز در واکنشی فکری، تقنینی و قضایی با پرورش اندیشه حقوقی مبنای سبب وضع مقررات انتظامی و الزام به اجرای فراسرزمینی آن در دادگاه‌ها، فعالانه ظاهر شدند. لازم به ذکر است که نظم عمومی به مفهوم مرسوم کلمه، حالت مانعیت و طردکنندگی قانون حاکم بر شرکت را ندارد. در نتیجه، وضعیت گروه شرکت‌های تجاری شیوه اعمال قانون و قوانین قابل اعمال بر شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار داده است؛ وضعیتی که آنها را به سوژه دوگانه قوانین و مقررات خصوصی و عمومی تبدیل کرده و تحت نظارت حداکثری دولت‌ها قرار داده است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. جنیدی، لعیا، **تبیین مفهوم نظم عمومی ملی در روابط بین‌الملل با تاکید بر مقررات امری حقوق عمومی**، ارج نامه دکتر الماسی، مقالات اهدا شده به دکتر نجادعلی الماسی، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱.
۲. سلیمان‌زاده، سمیرا، **گروه شرکت‌های تجاری**، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۰.
۳. طباطبایی موتمنی، منوچهر، **آزادی‌های عمومی و حقوق بشر**، تهران: نشر دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۷۵.

مقاله

۴. ابراهیمی، سید نصرالله، **اعمال فراسرزمینی قوانین داخلی و آثار آن، با ارجاع ویژه به قوانین هلمز، برتون و داماتو، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال دوم، ۱۳۷۹، شماره ۷ و ۸.**
۵. باقری، محمود، **حقوق اقتصادی ملی در نظم حقوقی بین‌المللی**، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲۳، ۱۳۸۶.
۶. باقری، محمود و حمید قنبری، **مشکلات حقوقی ناشی از بین‌المللی شدن بازارهای سرمایه و جایگاه قوانین ملی**، مجله پژوهش حقوق، ۱۳۸۹، شماره ۲۹.
۷. سادات اخوی، سید علی و حوریه حسینی اکبرنژاد، **اعمال فراسرزمینی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر**، فصلنامه حقوق، ۱۳۸۸، شماره ۴.
۸. صادقی، محسن، **مفهوم و اعمال نظم عمومی در مراجع قضایی و شبه قضایی و جلوه‌های نوین آن**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تابستان ۱۳۸۴، شماره ۶۸.
۹. ضیایی، ناصر، **مبانی نظری صلاحیت فراسرزمینی دولت از منظر حقوق بین‌الملل عمومی**، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۹۰، شماره ۷۶.

۱۰. طباطبایی نژاد، سید محمد، اعمال فراسرزمینی مقررات انتظامی: بررسی موردی اعمال مقررات حقوق رقابت (با نگاهی به قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی)، مجله مطالعات حقوقی، دوره ۸، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۲۰.

۱۱. ممتاز، جمشید و امیر رنجبریان، *مداخله امریکا در امور ایران و اقامه دعوی ایران در دیوان داوری ایران و امریکا*، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۷، ۱۳۷۶.

منبع الکترونیک

12. <http://www.shora-rc.ir/portal/home/?news>

تاریخ آخرین بازدید: ۹۹/۶/۶.

ب) منابع انگلیسی

Books

13. Basedow, Jurgen, Wurmnest, wolfgang, *structure and effects in EU competition law, studies in Exclusionary conduct and state Aid*, Netherlands, Wolster Kluwer, 2011.
14. Castel, J.G, *extraterritoriality in international trade, Canada and United states of America practices copared*, Toronto, Butterwoths, 1928.
15. Cordero-Moss, Giuditta, *EU overriding mandatory provisions and the law applicable to the Merits*, cited in the impact of EU law on commercial arbitration, United States, Jurisnet LLC., 2017
16. Day Wallace, Day Wallace, Cynthia, *legal control of multinational enterprises*, Netherlands, Martinus Nijhoff Publications, 1982.
17. Ebrahimi, Seyed Nasrollah, *mandatory rules and other party autonomy limitations in international contractual obligations*(with particular reference to the Rome Convention, 1980), UK, Athen press, 2005.
18. General secretariat of the organization of American states, *Multinational enterprises, the legal framework*, Washington D.C., Organization of American states, 1975.
19. Harvey I., Serota, James I., Tom, Willard K., *Antitrust Law development*, fifth edition, vol 2, Illinois, American bar association, 2002.
20. Hopt, Klaus, Wymeersch, Eddy, Kanda, Hideki, Baum, Harald, *Corporate governance in context , corporations, states, and markets in Europe, Japan, and the US, Uk*, Oxford university press, 2005.

21. Nord, Nicolas, *Orde public Et lois de police en droit international prive, these pour le doctorate en droit, d l'universite Robert Sherman*, June 2003.
22. Olmstead, Cesil J., *Extraterritorial application of laws and responses thereto*, Oxford , ESC publishing limited, 1984.
23. Szudoczky, Rita, *The sources of EU law and their relationships*, IBFD, 2014.

Articles

24. Alford, Roger P., "the extraterritorial application of antitrust laws, the United States and European Community approaches," Virginia journal of international law, vol. 33, no.1, 1992.
25. Alvarez, Jose E., "are corporations subjects of international law?" Santa Clara Journal of International law, no.1, 2011.
26. Boarman, Patrick M, Schollhammer, Hans, "multinational corporations and governments business government relations in an international context", USA, paper publishers Inc, 1975.
27. Houck, John B., "restatement of the foreign relations law of the united states(revised): issues and resolutions", the international lawyer, vol 20, no 4, Fall 1986.
28. Leiter, Brian, "Legal formalism and legal realism, what is the issue?" University of Chicago public law and legal theory working papers, no 32, 2010.
29. Mayer, Pierre, *mandatory rules of law in international arbitration, Arbitration International*, Volume 2, Issue 4, 1 October 1986.
30. Samie, najeeb, "the doctrine of "effects" and extraterritorial application of antitrust laws", University of Miami inter-American law review, Rev 23, 1982.
31. Parish, Austen L., "the effects test: extraterritoriality's fifth business", Vanderbilt law review, vol 61, no 5, 2008.
32. Samie, najeeb, " the doctrine of "effects" and extraterritorial application of antitrust laws", University of Miami inter-American law review, Rev 23, 1982.
33. -----, *Extraterritorial Subsidiary Jurisdiction, Law and Contemporary Problems*”, vol. 50, no. 3, Extraterritoriality of Economic Legislation, 1987.

Internet Source

34. Filatotchev, Igor, Wright, Mike, Agency Perspectives on Corporate Governance of Multinational Enterprises, journal of management studies, vol 48, issue 2, 2011, 471-476, available at: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1763021 last visited: 10/1/2020.
35. Guidice, Lauren, Tagged: foreign trade antitrust improvement Act, what effects are direct enough to satisfy the FTAIA: an analysis of 2014

- FTAIA decisions, vol 35, issue 1, spring 2017 , available at: https://www.bu.edu/ilj/tag/foreign-trade-antitrust-improvements-act/#_ednref2 last visited: 2/3/2019.
36. Kiel, Geoffrey C., Hendry, Gavin J, Nicholson, Gavin J, corporate governance options for the local subsidiaries of multinational enterprises, corporate governance, an international Review, vol 14, no., November 2006 available at: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=939839 last visited: 10/12/2020.
37. <https://cdn.iccwbo.org/content/uploads/sites/3/2006/07/Extraterritoriality-and-business.pdf> last visited: 5/6/2019.
38. <https://eurlex.europa.eu/legalcontent/FR/TXT/?uri=CELEX%3A61996CJ0369> last visited: 10/6/2019.
39. <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/FR/ALL/?uri=CELEX%3A61998CJ0381> last visited: 12/6/2019.
40. <https://www.doc-du-juriste.com/droit-public-et-international/droit-international/dissertation/lois-police-445697.htm> last visited: 13/6/2019, p3.
41. <https://www.casebriefs.com/blog/law/constitutional-law/constitutional-law-keyed-to-chemerinsky/the-federal-executive-power/dames-moore-v-regan-secretary-of-the-treasury/> Last visited: 5/9/2018.
42. https://en.wikipedia.org/wiki/Learned_Hand last visited: 27/12/2019.

ج) منابع فرانسوی

Livre

43. Francescakis, Phocion, *Quelques précisions sur les "Lois d'application immédiate et leurs rapports avec les règles de conflits de lois*. Revue critique de Droit International Privé. 1966.

Articles

44. Frost, Carsten, " *Transfer of companies seat, an unfolding story in Europe*", Victoria University of Wellington Law Review, Vol 36, No 2, 2005.
45. Robert, Sabine, *Les Loi de Police*, Diplome Master , La Faculté de Droit Virtuelle est la plate-forme pédagogique de la Faculté de Droit de Lyon, December 2006.

Internet Source

46. Arrêt de la Cour du 23 novembre 1999. Procédures pénales contre Jean-Claude Arblade et Arblade & Fils SARL (C-369/96) et Bernard Leloup, Serge Leloup et Sofrage SARL (C-376/96). Available at: <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/FR/TXT/?uri=CELEX%3A61996CJ0369> last visited: 10/6/2019.
47. Fiche a jour au 10 December 2006, Séance n.9, les lois de police, P10, available at:
http://fdvsrv.univlyon3.fr/moodle//file.php/1/FPV2/Droit_international_et_communautaire/Droit_international_prive/Les_lois_de_police.pdf last visited: 11/6/2019.
48. Vieira, Daniel Palomino, Les Loi de police etrangeres, -
https://www.academia.edu/28247289/Les_lois_de_police_%C3%A9trang%C3%A8res_Introduction last visited: 11/6/2019.